

آمار مصدومان زلزله خمیر به ۱۱۱ نفر رسید



گروه حوادث/ آمار مصدومان زلزله ۶.۱ ریشتری در بندر خمیر هرمزگان به ۱۱۱ نفر افزایش یافت.

مهرداد حسن زاده، مدیرکل مدیریت بحران استانداری هرمزگان صبح دیروز گفت: آواربرداری از ۱۴ روستای زلزله‌زده در غرب هرمزگان آغاز شده است. ۲۱ روستا بررسی و پایش شد و در حال حاضر آواربرداری در روستای سایه خوش که کانون لرزه زمین لرزه بوده و صدردصد تخریب شده، به صورت شبانه روزی ادامه دارد. با توجه به شرایط آب و هوایی و توزیع چادر در منطقه، توزیع کولر در دستور کار ستاد بحران استان قرار گرفته است و درحال تأمین آن هستیم.

دکتر فاطمه نوروزیان، سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان نیز گفت: شمار مصدومان زمین لرزه بامداد شنبه در غرب هرمزگان به ۱۱۱نفر افزایش یافت که ۱۰۱ نفر از مراکز درمانی مرخص شده اند. فوتی های این زمین لرزه نیز همان پنج نفر است و افزایشی نداشته است. رئیس کل دادگستری هرمزگان با اشاره به صدور دستورات ویژه قضایی به ضابطین و حضور پلیس در ساعات اولیه وقوع زلزله در مناطق آسیب دیده از برقراری امنیت کامل در این مناطق خبر داد.

مجتبی قهرمانی در تشریح این خبر افزود: در ساعات اولیه وقوع زلزله با هماهنگی رؤسای دادگستری و دادستان حوزه‌های قضایی غرب هرمزگان، مأموران یگان‌های انتظامی و نیروی مقاومت بسیج بلافاصله در مناطق حادثه دیده حاضر شدند و سازوکارهای لازم برای خدمت رسانی بیشتر به زلزله‌زدگان و محافظت از اموال مردم اندیشیده شده و با تدابیر اتخاذ شده، تیم‌های پلیس تخصصی به همراه تجهیزات و امکانات لازم به محل حادثه اعزام شده‌اند.

قهرمانی با اشاره به اینکه طرح‌ها و تمهیدات ترافیکی ویژه‌ای نیز توسط پلیس راهنمایی و رانندگی در محدوده‌های مورد نظر در حال اجرا است، تصریح کرد: دستگاه قضا تا آخرین لحظه در کنار هموطنان زلزله‌زده خواهد بود و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند.

گروه حوادث/ **پسر جوانی که به**

اتهام ضرب و جرح پای میز محاکمه

ایستاده بود، مدعی شد به خاطر یک

نگاه چپ با شاکي در گیر شده بود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود

۴ سال قبل گزارش یک درگیری خونین در میدان هروی تهران به پلیس اعلام شد و در ادامه مأموران به محل اعزام شدند. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد درگیری میان پسر ۲۴ ساله به نام سجاد و پسر ۱۹

ساله به نام اکبر رخ داده است که در پی آن اکبر با دو ضربه چاقو سجاد را مجروح کرده است؛از آنجایی‌که از سجاد خون زیادی رفته بود و قادر به صحبت نبود، وی به سرعت به بیمارستان منتقل شد و

با تلاش کادر درمان از مرگ نجات یافت. اکبر در محل درگیری توسط مأموران کلانتری بازداشت شد و در بازجویی‌های اولیه به درگیری منجر به جراحات با سلاح سرد اعتراف کرد.چند روز بعد در حالی که سجاد به بهبودی نسبی رسیده بود،

اعترافات سارق باغ‌های لواسانات:

میوه‌های سرقتی را کنار جاده می‌فروختیم

گروه حوادث/ زوج جوان که با سرقت میوه از باغ‌های لواسان و فشم، میوه‌ها را کنار جاده می‌فروختند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، به‌دنبال گزارش سرقت‌های سریالی میوه از باغ‌های فشم و لواسانات، تحقیقات پلیسی برای شناسایی سارقان آغاز شد. در حالی که بررسی‌ها در این خصوص ادامه داشت، نگهبان باغی در لواسانات با پلیس تماس گرفت و از دستگیری زن و مردی جوان هنگام سرقت میوه‌ها خبر داد.

او گفت: به خاطر فوت یکی از اقوام مجبور شدم باغ را برای ۲۴ ساعت ترک کنم اما روز بعد که برگشتم با صحنه عجیبی مواجه شدم. زن و مرد جوانی را دیدم که میوه‌های باغ را داخل جعبه‌های متعدد بسته‌بندی کرده و در حال بارگذاری جعبه‌ها روی وانت‌شان بودند. آنها مرا نمی‌شناختند، به همین دلیل کمین کردم و در فرصتی مناسب در را رویشان قفل کردم و اجازه خروج از باغ را به آنها نادم.

با گزارش مرد نگهبان، مأموران پلیس بلافاصله راهی محل شده و زوج جوان را بازداشت کردند. زن و مرد جوان که سر بزنگاه بازداشت شده بودند، چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشتند، به سرقت‌های سریالی از باغ‌های منطقه

▪ **دوشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۱**

▪ **سال بیست و هشتم**

▪ **شماره ۷۹۴۸**



زندگی می‌کردیم و در این ایام شروع به چیدن میوه‌های باغ می‌کردیم. میوه‌ها را داخل جعبه‌هایی که با خود آورده بودیم می‌چیدیم و روز دوشنبه بار وانت بارمان می‌کردیم.

▪ **چرا شبه تا دوشنبه، سرقت را انجام می‌دادید؟**

برای اینکه در این روزها معمولاً کسی به باغش در لواسانات و فشم سر نمی‌زند، معمولاً آخر هفته‌ها برای استراحت و تفریح به باغ می‌روند تا آن موقع هم ما سرقت‌مان را انجام داده بودیم.
▪ **با میوه‌های سرقتی چه می‌کردید؟**
در کنار جاده بساط می‌کردیم

که همراهش بود کنار ماشین ما ایستاد. او در یک لحظه با دوست من چشم در چشم شد و شروع به فحاشی کرد. از آنجایی که من و دوستانم قرص مصرف کرده بودیم و در حالت طبیعی نبودیم، وقتی او یک تسمه از ماشینش بیرون آورد و به ما حمله کرد تسمه را از او گرفتیم و با چاقو به او ضربه زدیم. آقای قاضی باور کنید که اگر خودش دعوا را شروع نمی‌کرد، ما با او کاری نداشتیم و اظهارات او را که می‌گوید کرد و با دو ضربه چاقو مرا زد که پس از آن دیگر متوجه چیزی نشدم. حالا هم از او شکایت دارم. سپس متهم ۲۳ ساله به جایگاه رفت و با رد اظهارات شاکي عنوان کرد: آن روز من با دو نفر از دوستانم در ماشین نشسته بودیم که شاکي با دختری

همراه را سرقت کند. من به سرعت فرار کردم و وارد سوپرمارکت شدم، چند دقیقه بعد در حالی که فکر می‌کردم فرد خفت‌گیر از محل رفته است، از مغازه خارج شدم اما در نهایت با ناباوری او به من حمله کرد و با دو ضربه چاقو مرا زد که پس از آن دیگر متوجه چیزی نشدم. حالا هم از او شکایت دارم. سپس متهم ۲۳ ساله به جایگاه رفت و با رد اظهارات شاکي عنوان کرد: آن روز من با دو نفر از دوستانم در ماشین نشسته بودیم که شاکي با دختری

شکایتی را مطرح کرد و پس از تحقیقات و گزارش پزشکی قانونی پرونده متهم با کیفرخواست مباشرت در ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد و توهین و فحاشی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه شاکي که حالا ۲۸ ساله شده، به جایگاه رفت و گفت: روز حادثه از خودروام پیاده شدم تا از سوپرمارکت خرید کنم که به یکباره پسر ۱۹ ساله به سراغم آمد و با توهین و تهدید قصد داشت تلفن

دومین شکایت در پرونده مرد گروگانگیر

ربودن راننده تاکسی اینترنتی در آستارا

این پرونده باشد، تحقیقات روی این موضوع متمرکز و در بررسی‌های صورت گرفته امیر در شهرستان آستارا شناسایی شد.
امیر در تحقیقات راز ۴ روز اسارت در دام مرد آدم‌ریا را برملا کرد.

او گفت: راننده خودروی اینترنتی هستم و در یکی از روزها متهم درخواست خودرو داد و من آن را پذیرفتم. او قصد رفتن به تهران را داشت. او را سوار خودروام کردم.

در مسیر به بهانه گرم‌اوشنگی آب طلبی خرید که بعد از خوردن آن بی‌هوش شدم. دیگر متوجه چیزی نبودم. وقتی به هوش آمدم خودم را در حیاط خانه‌ای متروکه دیدم. در چهار روزی که نیمه‌هوش بودم فقط از شیر

تهران وارد عمل شدند. با آموزش‌های لازم به خانواده هوشنگ، آنها با مرد آدم‌ریاقرار صوری گذاشته و در نهایت مرد جوان را در بزرگراه آزادگان دستگیر کردند. متهم در تحقیقات مدعی شد که به بهانه حمل بار برای آستارا سوار کامیون شده و در راه راننده کامیون را با آبیومه مسموم بی‌هوش کرده است. او سه روز راننده کامیون را که بی‌هوش بود داخل کامیون نگه داشته و در تماس با خانواده‌اش درخواست پول کرده بود.

در حالی که بازجویی‌ها و تحقیقات از متهم ادامه داشت کارآگاهان پلیس یک کارت شناسایی متعلق به مرد جوانی به نام امیر را در میان وسایل متهم پیدا کردند.
بااین احتمال که امیر نیز یکی از قربانیان

گروه حوادث/ قاضی دادگاهی در خواف دو شکارچی و صیاد غیر مجاز کبک را محکوم به ساخت دو آبخور برای حیات وحش در این شهرستان کرد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز خراسان رضوی، رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان خواف گفت: مأموران محیط زیست حین گشتزنی متوجه تخلف دو صیاد در رنده گیری کبک شدند و متخلفان را دستگیر کردند و پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شدند.

سعید شفیعیان افزود: با توجه به اظهارند امت متخلفان

۱۹ | حوادث

جدایی به خاطر وابستگی به مادر

◀ **کمران علمدی**

خبرنگار

طبقه اول مجتمع قضایی خانواده مثل همیشه از حضور زوج‌هایی که برای جدایی آمده بودند پر بود. در این میان زوج میان‌سالی که روی صندلی نشسته بودند توجهم را جلب کردند. هر مرد چند لحظه یک بار با لحنی ملتمسانه از همسرش می‌خواست که دست از لجبازی بردارد و به خانه و زندگی‌شان برگردد اما زن با چشم غره‌ای صورتش را برمی‌گرداند و سکوت می‌کرد. ساعت به ۱۱ که رسید منشی دادگاه با خواندن اسم و شماره پرونده شان آنها را به داخل شعبه فراخواند... احسان... نسیم...

پس از ورود به شعبه با فاصله دو صندلی در ردیف اول نشستند. قاضی سرش را از روی پرونده‌ها بلند کرد و رو به زن گفت: من دادخواست و شکایت شما را خواندم اما ابهاماتی وجود داشت.

نسیم گفت: آقای قاضی چه ابهامی؟ شما هم می‌خواهید مثل بقیه بگویید که معلوم نیست من چه می‌گویم؟

قاضی گفت: من می‌خواهم ابهامات برطرف شود شما باید برای من توضیح دهید که ببینم به چه منظوری تصمیم به جدایی گرفته‌اید. نسیم گفت: ۲۰ سال پیش زمانی که ۲۳ سال داشتم با احسان آشنا شدم. چند ماه بعد از من خواستگاری کرد و با موافقت خانواده‌ام به عقد هم درآمدم و یکسالی نامزد بودیم. در آن مدت من احساس کردم که بیش از حد به مادرش وابسته است و از او حرف شنوی دارد اما بعد به خودم گفتم احسان ۲۵ سال بیشتر ندارد تک پسر است و به هرحال تا قبل از ازدواج با مادرش زندگی کرده و کم‌کم این اخلاقش را کنار می‌گذارد. وقتی ازدواج کردیم در طبقه دوم خانه پدری همسرم ساکن شدیم اما بعد از ۲۰ سال هنوز شوهرم از زیر چتر حمایتی مادرش بیرون نیامده است.

با شروع زندگی مشترک متأسفانه تازه فهمیدم که شوهرم نه تنها خیلی به مادرش وابسته است بلکه اهل کار و تلاش هم نیست، مدت‌ها سعی می‌کردم خوش بین باشم و به خودم می‌گفتم به مرور زمان همه چیز درست می‌شود اما ۵ سال گذشت و احسان تغییری نکرد. کم‌کم خانواده‌ها به ما اعتراض می‌کردند که چرا بچه دار نمی‌شوید تا زندگی‌تان از یکنواختی خارج شود. با اینکه می‌دانستم حضور بچه هم نمی‌تواند اخلاق احسان را تغییر دهد اما بچه‌دار شدیم و متأسفانه وضعیمان بدتر شد احسان کار دائمی نداشت افزایش هزینه زندگی و مخارج بچه نه تنها مشکلاتمان بلکه وابستگی او را به خانواده‌اش نیز بیشتر کرده بود.

نسیم از کیفش دستمالی را آورد و گوشه چشم‌هایش را که حالا خیس شده بود پاک کرد و ادامه داد: احسان بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک نه تنها بهتر نشد بلکه اخلاق و رفتارش هم بدتر شد. بارها به او گفتم که اگر خانواده‌ات نباشند چگونه می‌خواهی خرج زندگی را تأمین کنی با کار من از مادرم پول بگیرم چه می‌شود اما هفبار با خنده و شوخی جواب می‌داد حالا که هستند. الان هم که دخترمان ۱۵ ساله شده دیگر تحمل رفتارهای همسرم را ندارم و ترجیح می‌دهم اگر قرار است خرجم را از پدر و مادرم بگیرم پیش همان‌ها زندگی کنم.

قاضی با تعجب نگاهی به احسان کرد و گفت: همسرت درست می‌گوید؟ احسان جواب داد: آقای قاضی من برای گذران زندگی تلاش خودم را کرده‌ام و کم و زیاد از عهده‌اش هم برآمده‌ام اما مشکل همسر من مالی نیست بلکه او حسادت می‌کند. من از کودکی یاد گرفته‌م که به

مادرم احترام بگذارم اما نسیم حسودی می‌کند. نسیم حرف‌های احسان را قطع کرد و گفت: فقط یاد گرفتی به مادر خودت احترام بگذاری؟ چرا وقتی به مادر من می‌رسی نه تنها احترام نمی‌گذاری بلکه مرا مجبور می‌کنی که ارث پدری‌ام را بگیرم. آقای قاضی به من می‌گوید چرا سهمت را از مادرت نمی‌گیری. چرا مادرت باید یک خانه ۳ طبقه داشته باشد در حالی که می‌تواند یکی از واحدهایش را به عنوان سهم پدری ات به ما بدهد.

ما ۲۰ سال است که در خانه پدری احسان که ۳ طبقه دو واحدی است زندگی می‌کنیم اما یک بار جرات نکرده که به پدرش بگوید یک واحد را به نام کم اما مادر من که یک زن تنهاست و تنها از طریق اجاره خانه امرار معاش می‌کند باید خانه‌اش را به ما بدهد؟

قاضی از آنها خواست تا سکوت کنند و بعد رو به احسان کرد و گفت: شما باید به واحد مشاوره بروید. برای مردی که ۲۵ سال از عمرش را این‌گونه زندگی کرده سخت است بتواند خودش را تغییر دهد اما اگر زن و دختری را دوست داری و دلت نمی‌خواهد که خانواده‌ات از هم بپاشد این آخرین فرصت است. دو ماه فرصت داری تا علاوه بر حضور مستمر در کلاس‌های مشاوره خودت را تغییر دهی در غیراین صورت معلوم می‌شود که تمایلی به مسئولیت‌پذیری نداری و ادامه زندگی هم به این صورت امکان پذیر نیست.

بر خورد مرگبار با لکوموتیو

گروه حوادث/ برخورد لکوموتیو با یکی از کارکنان راه آهن سیرجان منجر به مرگ وی شد.

به گزارش خبرنگاری فارس، امین لاهوتی مسئول روابط عمومی اداره کل راه‌آهن هرمزگان اظهار کرد: صبح یکشنبه یکی از پرسنل عملیاتی راه آهن سیرجان به نام محمد آفرینکان ۳۵ ساله در زمان مانور با لکوموتیو منفرد برخورد کرد که این حادثه منجر به فوت وی شد.

وی افزود: علت سانحه توسط کمیسیون پیشگیری از سوانح در دست بررسی است.

آزادی گروگان ۱۰ ساله بعد از ۴۰ روز

گروه حوادث/ پسر ۱۰ ساله سروانی که بیش از یک ماه در چنگ آدم‌ربایان اسیر بود با تلاش پلیس نجات یافت.

سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در این خصوص گفت: اولین خرداد سال جاری در پی رایش پسر بچه‌ای ۱۰ ساله در یکی از محلات شهرستان سراوان بلافاصله تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی آن شهرستان وارد عمل شدند. در بررسی‌های به عمل آمده و در تحقیقات میدانی از شاهدان عینی، مشخص شد ۳ نفر سرنشینان یک دستکاب پژو ۴۰۵ با پلاک مخوش، این کودک را که مقابل خانه در حال بازی بود ربوده و بسرعت از محل متواری شده‌اند.

با توجه به حساسیت موضوع، به منظور حفظ جان این کودک، کارآگاهان پلیس آگاهی تلاش گسترده‌ای را برای رهایی او آغاز کردند و مشخص شد، متهمان به دلیل اختلافات مالی با پدر کودک او را به گروگان گرفته‌اند.

سرانجام در پی اقدامات تخصصی و تلاش گسترده پلیس، مخفیگاه یکی از عوامل اصلی این آدم‌ربایی در شهرستان خاش شناسایی و متهم چند روز قبل در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه دستگیر شد.

در ادامه ۲ متهم دیگر پرونده نیز شناسایی شدند اما گروگانگیران که عرصه را بر خود تنگ دیدند در نهایت پس از ۴۰ روز مجبور به رهاسازی این کودک در یکی از محلات زاهدان شدند.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان با اشاره به اینکه این کودک صحیح و سالم به آغوش خانواده بازگردانده شده است، خاطر نشان کرد: متهم دستگیر شده به مراجع قضایی معرفی شد و تلاش برای دستگیری دو متهم متواری پرونده ادامه دارد.